محمدرضانيكنژاد

کس که از کلاس دور شدیم، گفت، «أقا شمار فراوانیی از پچهمهای کلاس، پس از پیاان مدرسه به فهوجنامای در این نزدیکی می روند و به شمال کرومی قالبان میکنند هر چه با آنها حرف می زنم گوششان بدهکار پیست، می قاوندیی آن که نام مر ایر باوردید به پهاهای درباره بدیم هار اسیدهای قبایل از باکا از این از دادید از این از سیخی شما

بر آنها کارا باشد. از نامهایشان پرسیدم، چیــزی نگفــت امــا از رفتار و ســخنهایش

يسُنَ برمى آمد كه بخُسشُ بزر كسى از أنها ین سـرگرمی را برای دور هم بودن و تفریح

برگزیدهاند. با یکی از بچههای ورزشکار سوم ریاضی نیز گپوگفتی داشتم که لابهلای ری کی آر بر شمردن نام برخی از بچههای گفتو گو، با برشمردن نام برخی از بچههای کلاس، تأکید کرد که بیش از ۸۰درصد همکلاسیهایش در گیر کشیدن قلیان و ســیگارند. در میان نامها، دانش آموزانی را نام برد که شگفتزده و غمگینم کرد. بچههایی با

سطح درسیی و اخلاقی بالا! بر پایه آمارهای سنت درستی و احدای پد بر پید امارهای کشسری در تجربه کشبوری در دو، بست سال گذشته «تجربه مصرف سیگار در پسران و دختران تهرانی به ترتیب ۲۶۸ و ۲۶۹۹درصد بسود. همچنین

به برییب ۱۵ و ۱۲۰ درصد بیود. همچنین ۶۴ درصد دانش آموزان پسر بررسی شده و ۴۳ درصد از دختران، تجربه مصرف قلیان

را دارند، این درحالی است کـه پیش از این هشدارهایی در رابطه با افزایش میزان مصرف

مستارهایی در رابطه با افزایش میزان مشرک قلبان از سـوی آسیب شناسـان داده شـده بود.» همچنین «چندسـال پیش سن مصرف سـیگار بین ۱۴ تا ۱۶سـال بود، اما متاسفانه اکنون سن مصرف سـیگار به حدود ۱۲سال

رسیده است. همچنین مصرف قلیان در میان دختران دبیرستانی و دانشـجوی ما رشـد ۲۰درصدی داشــته اسـت. دکتر محمدرضا

مسجدی، دبیر کل جمعیت مبارزه با استعمال دخانیات در سال ۹۲ با اشاره به طرح «پاد»-

یا پیشگیری از استعمال دخانیات- در . آموزشوپــرورش، عنــوان کرد: بناســت ایـ

طرح در مُقطَّعُ ابتدایی و راهنمایی به اجرا دربیاید، البت بنا نداریم مباحث آموزشی پیرامون پیشگیری از استعمال دخانیات را

. وارد کتب درسی کنیم، بلکه میخواهیم از

دانش آموزان ومصرف روزافزون قليان

نگاه منتقد

می گیرند- آشکار می شود. در دوران نوجوانی - حدانی، بحه ها بیشترین سرسپردگی را به

عی غیرت استار عصوبات و خوران خراخی و جوانی، بچه ها بیشترین سرسپردگی را به دوستان و گروههای همسن خویش داشته و بسیاری از رفتارها در این گروهها ساخته شده

. "رک کرد. از این رو می توان مدرسه را یکی از کاراترین نهادهای رفتارساز دانست و باید برای جلوگیــری از پدیداری رفتارهای و باید برای جلوگیــری از پدیداری رفتارهای ناشایســت و ســاختن رفتارهای شایسته در فراگیرترین نهاداجتماعــی برنامهریزیهای در برنامــه درســی دورههــای راهنمایی و دبیرستان، درسهایی به نام پرورشی وجود دارد. درونمایههای آموزشی ایس درس، چارچــوب فراخــی داشته و از مهارتهای

زندگسی و برنامه ریسزی درسسی و ... گرفته تا

بیماری های فردی و اجتماعی و موضوعهای

بیماریهای قدرتی و اجتماعی و موضوعهای دنینی اخلاقی و سیاسی را در برمی گیرد. در این ماعت آموزشی بر گزیش موضوع بر عهده آموزگار پرورشی سوده و آغـاز گفتوگو به سلفه سیاه او تواناییهای او بستگی دارد. سلفه سیاه در تواناییهای این نیس نوشت شده در یک فر آیند غیرسی و فراگیر، ساعت این درس سه آمـوزگاران درسهای در این درس سه آمـوزگاران درسهای در در درسا

دشواری مانند ریاضی و فیزیک داده می شود. از ایس رو در برخورد با بیماری های فراگیر فردی – اجتماعی مانند استفاده از سیگار و

عربی قلیان، اعتیاد، ایدز و... هیچ برنامه مشخص و تعریفشدهای وجود نداشته و آموزش وپرورش

در این زمینه ها به کلی ناکار آمد و ناتوان است تا هنگامی که این موضوعها به شکلی هدفمند

و مستقل و البته باریزه کاری و پژوهش، وارد کتابهای درسی نشوند، نباید به پیگیری و

اثر بخشے این کنش های دست و یا شکسته

ر. هی ... میــد بســت. امــا مهم ترین عامل گســـترش کامجویــی از قلیــان در این روزها، کشــیدن

گروهی آن و تفریح و شادی دورهمبودن است. در این گردهماییها بچههایسی هم که انگیزه

و زمینه خانوادگی کشیدن قلیان را ندارند،

برای بهرهبردن از حاشیههای شادیزای آن

در جمع دوستان شرکت کرده و کم کم زشتی

کامجویی از آن بـرای آنها نیــز از میان رفته و آلوده میشوند. از این رو برنامه ریزان آموزشی

باید گردهماییهای شادیزا و فرحبخش در مدرسه را افزایسش داده و زمینه پدیدآوری

شادی و تفریح گروهی در مدرسه را بهوجود

دیگران

نمونهاي در مخالفت با آموز ش و پرور ش خصوصي

## چرامابچەھايمانرابەمدرسەھاىدولتىبرد**يم**؟



ىدارس دولتـــى تفاوتهاى قابل توجهـــى با همتايان خصوصی خوددارند؛به عنوان نمونه این مدارسی نظم تر واز لحاظ تحصیلی سختگیری کمتــری می کنندو به مراتب بر پرورش کودکان کمتر کارمی کنند.همچنین این نوع مدارس چالشهای موردنیاز زَندگی را به بچههایمان

دقیقا دوســال قبل بود که من و شــوهرم بچههایمان ارس خصوصيى بيسرون أورديسم وأنهساراب محیطهایطبیعــی آموزشوپــرورش مدرســه دُولتی فرستادیم، اکنون که سومین سال ماندن آنها در مدرسه دولتی در نزدیکی خانه مان است با اطمینان می توانیم موارد ذیل را گزارش کنیم: ۱) مدارس دولتی مایی نظم تر، دارای بروکراسی خشک تر و در مقایسه با مدارس کوچک دوستداشتنى خصوصى كهبچههايم يكبار در آن حضور دولتی از لحاظ آموز شی در مقایسه بامدارس خصوصی کمتر به چالش کشیدهمی شیوند. ۳) بهرغم موارد فوق، ما آنها را در همان جایی (مدارس دولتی) که هستند نگه

، ماسیستم مدارس خصوصی را ترک گفتیم چون به ما سیستم مدارس خصوصی را در اعظیم جون به طرق مختلف به مافشار می آورد بهمخض این که پرداخت شهرید بود ترم مدارس خصوصی رامتوقف کردیم، توانستم از شخل دوم خود دست بکشتم و همچنین بایانی برای نگرانی همیشگیمان درمورد بول شد ما دوبار رانندگی نیم ساعته خود را در شلوغ ترین ساعات روز برای رساندر بچهها به مدرسه متوقف ساختیم. مدرسه در نزدیکی ما چند دقیقه بیشـــتر فاصله ندارد. ما همچنین توانستیم از فعالیتهای رقابتی شدید که به نظر جزیی از فرهنگ ساختاری مدارس خصوصی هستند، فاصله گرفتیم که برای موفقیت مستلزم واژگان ذاتی خودش است، سوزو کی

وقتى بسراى تفريح به كنسار روديا جنگلسى مىرويدو با

منظره آی از زباله های مختلف در اطرافتان روبه رومی شوید، زمانی که بسرای لحظه ای آرامسش و رهایسی از بوق ممتد

رمهی به بسری تحطهای ارامسش و رهایسی از بوق ممتد خودروها، پنجره خانه تسان را می بندید، وقتی که بعدلیل نامسطح بودن آسفالت کف خیابان یا سسنگفرشهای نامسطح بودن آسفالت کف خیابان یا سسنگفرشهای

یبادهرو، مچ پایتان دچار آسیب میشود، یا زمانی که برای پیادهرو، مچ پایتان دچار آسیب میشود، یا زمانی که برای انجام کاری اداری به اجبار مسیرتان به مرکز شهر میافتد

۰۰۰ رک ۱۰۰۰ کی ۱۰۰۰ و هنگام بر گشت با سردرد طاقت فرسایی روبهرو می شوید، پاشب هنگام به دلیل کمبودروشنایی در خیابان های شهر و

اندیشــیدُهاید که چقدر از تولُن و انــرژی روانی تان در این آلودگیهایشهریبههدررفتهاست؟

انودنی های سهری به هدر رصه است. احتمال دارد پیش از این، اندکیی یا اصلا به چنین مشکلاتی فکر نکرده باشید و به دلیل ارتباط مکرر و روزانه با این وقایع، به عبارت

۔ غیرممکن الما می تــوان با تغییر شــرایط محیط زندگی اجتماعی و بهبود آن تاحدی به این آرمان نزدیک شد. اما براى اين تغيير شرايط محيطي چه كارهايي , لازم است؟

صب مجســمههای باشــکوه و خَیره کننده، نقاشــیها و کاشیکاریهای هنرمندانه و ظریف بر دیوارهای اتوبانها یا

دیوارهای خارجی خانههای واقع در مسیرهای پر ترددشهر، نصب چراغهای زیبا با نورهای مناسب در فضاهای مختلف شهری و .. بوده ایم که همه این موارد در افزایش حال خوب

هرور رز یا در سیار موثر بودهاست. امابرای کاهش خستگیها ههروندان سیار موثر بودهاست. امابرای کاهش خستگیها و هدر رفت انرژی، اقدامات اساسی تری لازم است که البته

یاری خود شهروندان و کل جامعه را می طلبد. متاسفانه در

برای مثال در چندســال اخیر شـــاهد . برای متان در چندستان، خیر ستامته خندست رزنده شــهرداری در ایجاد فضاهای سبز بســیار زیبا، طراحی و

ن تر خوگیری یا کاهش حساسیت نس مُحركها بُرايُ اغلُب ما رخ داده است. همه انسانها تدارند در محیطی پاکیزه، زیبا، خلوت و عاری از هر گونه مشکل ومزاحمتی زندگی کننده اما چنین شرایطی یک آرمان محسوب می شود و دستیایی به آن تا حد زیادی

درمقابل اتاق وخوراکبابچههافرانسه صحبت می کند اً. مدارس دولتی به این معنی است که ما به عنوان خاتواده مى توانيم خاطرمان درمورد بچەھايمان آسـودە باشــُد ی و ۱۰۰۰ باوجود این انتقال از مدرسه خصوصی به مدرسه دولتی به یک اندازه بــرای همه ما والدین و بچههامشــکل بود. ز ۱۶ نفر بیشتر نبود. اگر بچهها از نظر آموزشی به رقابت ر ر ر ر کی ر ر ر ر ر ر ر ر کی ر ر ر ر کی ر ر کی می پرداختند،معلم، به عنوان ناظر کمک هاو تشویق بیشتر را قبل و بعد از مدرســه و در زنگ تفریح بــرای آنهامهیا بی کرد و من احسـاس می کردم (بهراستی، بسیار علاقه بی کرد و من احسـاس می کردم (بهراستی، بسیار علاقه اشتم) که بچههایمدر مقایسه بابچههای دیگر در مدارس

مدرسه هر بچهای در مواردی مانند دوزبانه بودن، شطر نج بازی یادانش باغبانی طبیعی، فوق العاده بود. باورود به مدرسه جدید کلاسهای بچههای من از ۱ کلاس به ۳۰ کلاس افزایش پیدا کرد. هیچ کس نام أنها را نمى دانست، هر صبح هيچ كس با فرياد از سر شوق و بغلُ كردن با آنها احواُلپر سے نمى كرد. به جاى اَن، آنها براى ورود به مدر سه، رفتن به كلاس، نهار و مسابقه به صف می شدند. آنهادر ساختمان های مدر سه خود گیمی شدند.

دولتی بیشتر پیشرفت می کنند و آموزش بهتر، سُریع تر و قوی تراز آنها دریافت می کنند علاومبر غرقه سازی در زبان

خارجی، آنها برنامه آموزشی با کیفیت عالی را در هنر و

موسیقی دریافت می کردند. آنها تربیت بدنی داشتند و در بوستان مدرسه کار می کردند. به واسطه کار سخت در

نام آنها راعوض کردهاند) که در نیمه نخست پایهششم است به نظر می رسید که در آن سیستم گم شده است. در چنین سیستمی تأکیدزیادی بر پیروی از دستور العمل ها پ ین یا در این برای کرد. وجود داشت و تأکید کمتری بر اندیشیدن میشد.او کار کردن بهصورت عملی را آسان می دانست اما در کلاسها

سوس به سورت کی رای کی درد شکست می خورد اما بعدها بچهها راهشان را پیدامی کردند مری که مدُرسه شرکت مُی کُرد-روباتیک، دو و خطاطی. ستْ درُ سـازگاری کامل باشخصیتش، باانتخاب خود، تقریبا در و پیوندی شادی آور با گزارشگران مدرسه در متلک گویی - ی ر. . می توانندباکلاسهای بزرگتر با اتعداد بیشتری از بچههای دیگر با پیش زمینههای متفاوت همکلاس باشــند. آنها می توانند خوب و حتی گاهی عالی هم باشند. ما دریافتیم که بچههایمان آنچنان شکســتنی های شگفتانگیزی کی و عدت حوب و علی علی علی می ایست در مسید که بچههایمان آنچنان شکستنیهای شگفتانگیزی نیستند که پیش از این که جر آت ورودب جهان را پیدا . كنند،مانندحياب

ما همچنین یاد گرفته ایم که هیسچ ضرور تی ندارد آنها لزومافوق العاده باشند به عبارت دقيق تر، اگر أنها بخواهند رر کری ہے۔ به عنوان بچه های فوق العادہ در سیستم مدرسه صورت فوق العادة أموزش ببينند،بايد خودشان فوق العاده ياشــند چون مدرســه از آنها بچههای فوق العاده به وجود نمی آورد. ما خوشــحاليم كــه بچهها بهصــورت اصولی آموزشُ های قوی را از مدارس محلّیمان دریافُت خواهند کرد و آنها می توانند در همان سطح بمانند یا پایه آموزشی

آن منابع به خودشان مربوط می شود. آنها باید بخشی از معادله آموز شىخودشان باشند

خودش مجبور است خُواهان کسب این تَجربیات باشد و واجد شرایط شـود. توانایی او در بهره گیری این فرصتها به خودشٌ بستگی دارد نه این که توانایی ما برای پر داخت پُشیمان شویم.مابایداین امکان راهم در نظر داشته باشیم که بدون امتیازهای اضافی که مدارس خصوصی به بچهها سال آینده در دانشگاه بیل خواهد بود. بهنظر مُیرسد که

كوچكازدنياىخودشان رابه تنهايى برعهدهمى گيرند. پ کر ۔ ت کر صار ۔ کی ہے۔ ر «جسیکا گرگ یک پزشک ونویسندہ تارگان باخانوادہاش زندگی می کند.

case\_against\_private\_education\_why\_

به علاوه، خسستگی، قدرت تفکر منطقیی را کاهش

داده و در تصمیم گیری های مهم افراد موثیر است.

خستگی می تواند بی حوصلگی ها، ناآر امی ها و تشویش و پرخاشگری را در خانواده موجب شود که کاهش آستانه

کرده و سعی کنیه شرایط فردمقابل رانیز در نظر بگیریم و سپس واکنش مناسبی داشته باشیم برای مثال، هنگام

د شـدن از خیابان وقتی که چراغ عابرپیاده قرمز است،

لوظهای صبر کرده و خودمان را بهجای رانندهای که درحال رد شدن از تقاطع است و با دیدن ما باید بهشدت

ترُمز کند، بگذاریکم. او چه حالی خواهد داشت؟ اگر ما بهجای او پشت فرمان خودرومان بودیم وباچنین شرایطی

بهجای ویوستخرص خورمون بودیچون چنین سریطی رویبرو می شدندیم چه رفتاری انجام می دادیم؟ اگر به اسال مسالل فکر کتیبه به براحتی می توانیم تصمیمی را اتخاذ کتیم که هم بسرای خودمان و هم برای دیگران مناسب باشد و از این طریق احترام گذاشتن به دیگران را در رفتارهایمان نهادینه کرده و جامعه را به سسمت بهبود

سلامترواني اعضايش هدايت كنيم

رت. احظهای ه

سثبه دبيرستانى دارآى برنامه هايى بادرجه بين المللج و کلاسهایی رویاره سنی در وی برای و کلاسهایی و کلاسهایی بازبان چینی خواهد رفت. او می تواند رشتههایی را در دانشگاه محلی انتخاب کند به شرط این که به اندازه کافی برای او چالش پرانگیز نباشیند امالو . شهریه به یک مدرسه که به صورت خود به خود آنها را برای او مهیا کند. البته در آینده ممکن است: از تصمیم خود رى ــرى ــرى مدى -ـرى موسى بديات مىدهد، ممكن است أنها ديگر دانش أموزان فوق العاده ويژه، با سواد فوق العاده، بچههاى شگفتانگيز نباشند كه ه زعم ما به سوی موفقیت شـان به پیش می روند. (بله، او

ييل بهتراز هاروار دباشد). ییل بهتر از هارواردباشد). حداقیل درحال حاضر میا که تصمیم بر نگدداشتن بچههایمان در مدارس دولتی گرفتهایم شاید به این خاطر باشید که آنها نیازی به پیشرفت با سیرعت زیاد نداشته . باشــندواز آنها بااین دلیل که نیازی به ما یامدرسه برای برنامه ریزی آیندهشان ندارند، تمجیدمی کنیمه این جوری ر بهتر است. این دقیقا مدرسه است و بچه های ما درست عمان بچههایی هستند که مسئولیت رسیدگی به بخشی

http://www.salon.com/201505/03//the we put our kids in public school/

عمچنین پسرمان سث(برای محافظت از حریم خصوصی أروشى ويژه براى يادگيرى موسيقى كه پديدا ورنده آن 

هیچ فعالیت دیگری شرکت نکرده است. اوبیشتر دوست داردبه مشاهده وارایه تفسیر از حاشیه های ورزشی بپردازد پیدا کرده است. به نظر می رسد که بچه های مانباید یکی از بچه های شیطان عزیز در دانه در کلاس باشند. آنها

خُودرابهبودبخُشندامابهره گرفتن از منابع اضافی یاایجاد

يرانتز

## آسیبهای آلود گی شهری براىشهروندان



باشد تا بتواند نيروي لازم رابراي كار و فعاليت مجدد دوباره

ر لوكوموتيورانوناخداي يككشتي مسافربري.

پر خاستری را در حابوده هوچی بیون به ناهم، استنه تحمل آفرده باست می شید و مناهم رویبر و شدن با محرک وکچه ی تحمل آن را نداشته رو قتار نامناسی داشته باشند. وقتی که خسستگی و بی حوصلگی مکرر و زیاد باشد قدرت خلاقیت افراد کاهش می باید، آنها دیگر آنرژی اضافی برای ایداع شیودهای نوبن ندارند و کارها را فقط برای از سر باز . كردن انجامُ مى دهند. آنوقتُ اسُت كه جُامعه پوُيايَى ُخوُدراُ از دست خواهدداد. باتوجه به اين كه وضع كنوني جامعه مالز شرايط توصيف بوریت به یمی درسی سومی مست مرسریت و سیت شده خیلی فاصله ندارد، برای جلوگیری از وخامت اوضاع، بایدبه این واقعیت بپر دازیم که هریک از ما به عنوان اعضایی 

اغلب شرایط و موقعیتها، ما خودمان را بهعنوان جزیی از یک کل در نظر نمی گیریم و تصور نمی کنیم که رفتارمان بر دیگــران چقدر موثر خواهــد بود. اگر چنین باشــد، در رُد " زمان رانندگی، با کوچُکتریُن خطاییی از خودروهای دیگر دستمان را روی بوق نخواهیم گذاشت، یا پاکت آبمیوهای را که نوشیده ایم، در کنار خیابان رها نخواهیم کرد، یا این که هنگام ردشدن از خیابان به قرمز بودن چراغ عابر بی توجه نخواهیم بود، یا این کـه در نیمه های شـب برنامه های . بی را در در کرد. بود آنها را برای خود شـمارش کنیم ایــن آلودگیهای محیطی نهتنها برای فردی که با انجام این رفتارها پیش از

هر کس دیگری خود را در معرض آسیب قرار می دهد بلکه

آسیبهای مشابهی را نیز برای دیگران موجب می شود در چنین شرایطی مغز انسان زودتر از حد معمول خسته شده و موجب می شود که فرد برای پردازش حجم بالای

ً گاهــیُ این خســتگیهای روانی ناشــی از آلودگیهای ی بی مصور می مسی در بودی کا مصور در بود. برای محلی در بود. برای محل می تود در برای محل می اور در برای در از افراد در این مصورت روبه رو شدن با این خستگی ها و دچار خطای دیدشدن ممکن است جان مسافران زیادی را به خطر بیندازد همچنین است خلبان یک هواپیما، یک

طریق اجرای فعالیتهای فرهنگی و آموزشی به این مسأله ورود کنیم. مسجدی اضافه کرد: خوشبختانه بعد از ِهفت ســال! توانستیم در

حوسیجانه بعد از معت سس: توسسیم در ایسن خصوص بـــا آموزش و پرورش بــه توافق برسیم». (ایسنا) امـــا چرا بنا نیســت آســیبهای ناشـــی از مصرف ســـگار، قلیــان، موادمخــدر و ... به کتابهای درسی وارد شوند؟ مدرسه و کلاس تا چه اندازه در گسسترش آسیبهای اجتماع و اخلاقی کاراسست؟ سهم آموزش وپرورش در پیشگیری و درمان چنین آسیبهای اجتماعیی-اخلاقیای چه اندازه است؟ و نهادهای آموزشی بسرای مبارزه با این و نهادهای اموزشیی بــرای مبارزه بــا این دشواریها چه راهکارهایی در پیشرو دارند؟ یکــی از مهمتریــن کارکردهــای آموزشوپــرورش بالابردن هــوش اجتماعی دانش آمــوزان و تواناســازی آنهــا در برابــر دشـواریهای زیستفردی و اجتماعـ بهعنوان شـهروندان آینده اسـت. بسیاری دشــواریهای اجتماعی و اخلاقی در مدرسه کاد و کلاس-بهعنوان نخستین جایی که بچهها در گروههای همسنوسال در کنار هم قرار

دانش آموزان مي توانند با دوستانشان در کنار هم کامجوییهای گروهی داشته باشند. ازسوی دیگر در آموزشهای نوین، یکی از کاراترین روشهای آموزشهی در زمینههای اجتماعی و اخلاقی، گفتوگو است. در این آن می پرداُزند و آموزگار آمـُوزشُ دیده تنها راهنمای گفتوگو بوده و از بــه بیراهه رفتن آن جلوگیری می کند. بنیادی ترین کارکرد این برهم کنش گروهی، کاشتن و پروراندن پرست در اندیشههای دانش آموزان و درگیر کــردن آنها بــا پیامدها و آســیب فردی و اجتماعی رفتارهای خطرخیز اس در این گفتوگوها از سویی اجبار و به دنبال رین آن لجبازی جوانانهای پدید نمی آید و از سوی دیگر بسیاری از پرسشها در میانه گفتو گو و .. .. .. .. .. .. از سوی همسالان آنها پاسخ داده میشوند و تا روزها ذهن دانش آموز در گیر این گفتوگوها وُ تُجربه ماندگار آن خُواهُد بِـُـود. امید کُه کار به دستان آموز شبی هر چه زودتر برای این گرفتاری رو به افزایش، راهکاری بیابند.



